

۱۶۱۸۱۶۱



المعجم الجغرافي للأمبراطورية العثمانية

(دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی)

عصم مع مد شهادات

مترجم

دکتر حسین قرچانلو

استاد دانشگاه تهران

تهران، ۱۳۹۷



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

المعجم الجغرافی للأمبراطورية العثمانية

(دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی)

تألیف: س. موستراس

ترجمه و تعلیق عربی: عصام محمد شحادات

مترجم فارسی: دکتر حسین قرچانلو

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: تقویم

ردیف انتشار: ۸۰

۵۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسی، خیابان رستگاران، شهرور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۷۰۰۶۱ / فکس: ۸۸۶۷۶۸۶۰

وب: www.p.te.ac.ir

سرشناسه:	موستراس، س، ۱۸۷۱م. Mustras, C.
عنوان و نام پدیدآور:	المعجم الجغرافی للأمبراطورية العثمانية = (دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی) / تألیف س. موستراس؛ ترجمه و تعلیق عربی عصام محمد شحادات؛ مترجم حسین قرچانلو؛ تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، انتشارات، ۱۳۹۷. ۴۱۸ ص.
مشخصات نشر:	پژوهشکده تاریخ اسلام؛ ۸۰.
مشخصات ظاهری:	۹۷۸۶۰۰۷۳۹۸۵۲۴
فروست:	
شابک:	
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتاب حاضر از متن عربی تحت عنوان "المعجم الجغرافی للأمبراطورية العثمانية" به فارسی برگردانده شده است.
عنوان دیگر:	دانشنامه جغرافیایی امپراتوری عثمانی
موضوع:	ترکیه -- فرهنگ جغرافیایی
موضوع:	ترکیه -- تاریخ -- امپراتوری عثمانی، ۱۲۸۸-۱۹۱۸م.
شناسه افزوده:	شحادات، عصام محمد، مترجم
شناسه افزوده:	قرچانلو، حسین، ۱۳۱۹-، مترجم
رده بندی کنگره:	۱۳۹۷ ۴۱۳۶۰۴۱/م DR۴۳۶
رده بندی دیویی:	۹۵۶/۱۰۰۳
شماره کتابشناسی ملی:	۵۲۰۵۰۹۲

سخن اول

تاریخ هر امت و جایگاه و جایگاههای بنا بر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و وسعت و روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاهها و دانشمندان غرب را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزههای گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می توان سریع گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاههای دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دوری از تریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینهها و پس زمینههای یک تحقیق علم جامع آغاز حرکتی اساسی و همه جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته ترین روشهای پژوهشی آغاز شود، بی شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاههای مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با

همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زود، تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یک استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکز، جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهای خامنه‌ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم فارسی	۹
مقدمه ناشر عربی	۱۱
مقدمه مترجم عربی	۱۵
مناطق جغرافیایی کهن که بارها تکرار شده‌اند	۲۱
مقدمه ناشر متن اصلی (فرانسه)	۲۵
مقدمه نویسنده متن اصلی	۲۷
باب «الف»	۳۳
باب «ب»	۱۲۱
باب «پ»	۱۶۵
باب «ت»	۱۷۵
باب «ج»	۱۸۷
باب «چ»	۱۹۵
باب «ح»	۲۰۳
باب «خ»	۲۱۱
باب «د»	۲۱۵

۲۳۱	باب «ز»
۲۴۱	باب «ز»
۲۴۵	باب «س»
۲۶۹	باب «ش»
۲۷۳	باب «ص»
۲۸۵	باب «ط»
۳۰۱	باب «ع»
۳۱۱	باب «غ»
۳۱۵	باب «ف»
۳۱۹	باب «ق»
۳۴۹	باب «ک و گ»
۳۶۷	باب «ل»
۳۷۷	باب «م»
۳۹۹	باب «ن»
۴۰۵	باب «و»
۴۰۹	باب «ه»
۴۱۱	باب «ی»

مقدمه نویسنده متن اصلی

امپراتوری عثمانی از دو سمت «ترکیه اروپایی» و «ترکیه آسیایی» تشکیل شده است. هر یک از این دو قسمت از نظر امارت به تعدادی امارت (حاکم‌نشین) تقسیم می‌شود؛ یعنی حکومت‌های عمومی؛ و آن به نوبه خود به شهرستان‌ها یعنی حکومت‌های مناطق؛ و شهرستان‌ها به شهرها و قضا به نواحی تقسیم می‌شود. در هر امارت یک والی حکم می‌راند و او تحت نظارت قائم‌مقام (مملکت)، شهرستانی است که به امارت او ضمیمه شده است، اداره می‌کند. بر هر شهری یک مدیر فرمان می‌راند و سواچی را یک صاحب اختیار اداره می‌کند.

ترکیه اروپایی یازده امارت (حاکم‌نشین) دارد که عبارت است از:

- ۱ امارت آدرنه که شامل شش شهرستان به نام سلوری، کمفور طاغور و ویزه (هر دو با هم)، کلیبولی، آدرنه و قرق‌کلیسا (هر دو با هم)، فلبه و اسلامییه است.
- ۲ امارت سیلستره (پایتخت آن شهر رُسجق است) که مشتمل بر شش شهرستان به نام ورنه، شومله (شمنی)، روسجق، طولچی، هراز غراد، مجیدیه، سینه و طرنای می‌باشد.
- ۳ امارت ویدین که دارای دو شهرستان به نام ویدین و لوفچه است.
- ۴ امارت نیش که دارای چهار شهرستان به نام نیش، صوفیه، صماقو و کوستندیل است.
- ۵ امارت اُسکوب که دو شهرستان اُسکوب، پرزرین و پرشته (هر دو با هم) در آن واقع است.
- ۶ امارت بوسنه (که پایتخت آن شهر بوسنه‌سرای است) و شامل هفت شهرستان به نام

ازورنیک، بوسنه، بنالوقه و طراونیک کیلیس (هر دو با هم)، بهیکه، یانی بازار و هر سک می باشد که پایتخت هر سک، شهر موستار است.

۷ امارت روم ایلی (که پایتخت آن شهر مناستیر است) و چهار شهرستان به نام ایشقودره، اؤخری، مناستیر و کسریه دارد.

۸ امارت یانیه که دارای پنج شهرستان به نام برات و اولونیه (هر دو با هم)، ارگری قسری و دلونیه (هر دو با هم)، یانیه، پرره وزه و ترحاله است. پایتخت شهر ترحاله، یکی شهر فنار می باشد.

۹ مارت سلانیک که سه شهرستان سلانیک، سیروز و درامه در آن واقع است.

۱۰ امارت جزیره کربت (که پایتخت آن شهر حانیه است)؛ سه شهرستان به نام حانیه، رتم و قیه، شامل می شود.

۱۱ امارت جزیره خلیل عثمانی، که شامل جزیره مدلو (پایتخت این امارت است)، بوغچه اطاسی، لمن، ساقه، اطاسی، استانکوی، رودوس (رودس)، قبرس و سیسام اطاسی می باشد. جزو ناحیه دارای است. جزیره سیسام اطاسی (یا ساموس) نیز یکی از شهرستان های امارت جزایر است. هر چند از اداره ویژه و امتیازات خاص برخوردار است و یک امیر مسیحی که از طرف باب عالی تعیین می شود، بر آن حکومت می کند.

ترکیه آسیایی [آناتولی] هجده امارت دارد که عبارت است از:

۱ امارت خدوندگار (که پایتخت آن شهر بروسه یا بروسا است) و مشتمل بر هشت شهرستان قوجه ایلی (پایتخت آن شهر ازمید)، خدوندگار (پایتخت آن شهر بروسه یا بروسا)، کوتاهیه و سلطان اونیو (هر دو با هم)، قره حصار صاخره (پایتخت آن شهر افیون قره حصار)، آردک و قره سی (پایتخت آن شهر بالیکسری)، بیغا و آیوالی است.

۲ امارت آیدین (پایتخت آن شهر ازمیر است) و در آن پنج شهرستان به نام صاروخان (پایتخت آن شهر مانيسا)، صوغله (پایتخت آن شهر ازمیر)، آیدین (پایتخت آن شهر آیدین گوزل حصار)، متشا (پایتخت آن شهر موغله) و دگرلی واقع است.

۳ امارت قرامان (پایتخت آن شهر قونیه است)؛ دارای هفت شهرستان به نام حمید (پایتخت آن شهر اسبارته)، بوردور و تکه (پایتخت آن شهر آنتالیا)، علاثیه و ایچ ایل

- (پایتخت آن شهر آرمناک)، قونیه و نیکده است.
- ۴ امارت آدنه یا آضنه؛ که در آن پنج شهرستان طرسوس، آدنه، قره عیسالو، عزیر Uzéir و مرعش واقع است.
- ۵ امارت بوزاووق (پایتخت آن شهر یوزغاد^۱)؛ که از پنج شهرستان به نام قیصریه، بوزاووق (پایتخت آن شهر یوزغاد)، آنکارا، کنغری و قوچقرلی تشکیل شده است.
- ۶ امارت قسطمونی؛ که در آن چهار شهرستان بولی، ویرانشهر، قسطمونی و سینوپ واقع است.
- ۷ امارت ریاس^۲ که دارای دو شهرستان به نام آماسیه و سیواس است.
- ۸ امارت تبوزان؛ که مشتمل بر شش شهرستان جانیک (پایتخت آن شهر صامسون)، آردو (پایتخت آن شهر کیره‌سُون)، قره‌حصار شرقی (پایتخت آن شهر قره‌حصار شایین)، گومشخانه، رابونان و لازستان (پایتخت آن شهر باطوم) می‌باشد.
- ۹ امارت ارزروم (ارزروم)؛ که پنج شهرستان چلدر، قارص، ارزروم (ارزروم)، بایزید و موش در آن واقع است.
- ۱۰ امارت وان؛ که مشتمل بر سه شهرستان به نام حکاری (پایتخت آن شهر جولامرک)، وان و موصل است.
- ۱۱ امارت کردستان (پایتخت آن شهر دیاربکر)؛ دارای سه شهرستان به نام ماردین، اسُغرد (سُغرد) و دیاربکر است.
- ۱۲ امارت خربوت؛ که چهار شهرستان معادن (پایتخت آن شهر معارِ آرغنی)، خربوط و ملاطیه (هر دو باهم)، سورک و درسم در آن واقع است.
- ۱۳ امارت حلب؛ که شامل شش شهرستان حلب، عنتاب، طوز، بیلان، نه‌اکره و رقه (پایتخت آن شهر اُورفه) می‌باشد.
- ۱۴ امارت صیدا (پایتخت آن شهر بیروت)؛ که در آن نه شهرستان به نام لاذقیه، طرابلس شام، جبل نصاری، جبل دُرُوز، صیدا، بلاد بشاره (پایتخت آن شهر تبیفن)، عکا، نابلس

۱ بوزاووق و بوزاووق و بوزُک Bizauk؛ و چه‌بسا نام یوزغاد بر آن امارت به‌صوت کامل اطلاق شده است.

۲ به پیوست صفحه ۸۶ نگاه کنید (مادهٔ اکراد جورم). به‌طوری‌که نامگذاری شهرستان سوم در این امارت همان شهرستان جورم (شهر کوچک) است.

۳ البته در اصل فرانسوی است، ولی شاید منظور وی کوه لبنان غربی بوده است.

و جنین (هر دو با هم) و قدس واقع است.

۱۵ امارت دمشق؛ که مشتمل بر چهار شهرستان دمشق، حمص، حماة و حوران است.

۱۶ امارت بغداد و شهر زور (هر دو با هم)؛ که پانزده شهرستان به نام سلیمانیه، روانیز،

کرکوک، زنجباد (پایتخت آن شهر کفری)، بغداد، خانقین، سامراء، بدره، خراسان

(پایتخت آن شهر بقوبه)، دلم (پایتخت آن شهر عانه)، کربلا، دیوانیه (پایتخت آن

شهر حله)، سِماوه، منتفق (پایتخت آن شهر سرق الشیخ) و بصره دارد.

۱۷ امارت حبشه (پایتخت آن شهر جده)؛ که چهار شهرستان نجد، مکه، جده و مدینه

(پایتخت آن شهر مدینه منوره) در آن واقع است.

۱۸ امارت یم؛ که مشتمل بر پنج شهرستان به نام مخا، صنعاء، زبیر، لَحیه و أبوعریش

است.

کار ما در این ره‌گ به اسپراتوری عثمانی محدود شده است و در این پژوهش‌مان

هرگز وارد بخش‌های دانه ب و زمین بربرها یا مصر که همچنان در جداول رسمی

باب‌عالی، جزء امارت‌های حاکم‌نشین‌های عثمانی به شمار می‌رود، نشده‌ایم. (مصر از تنظیم

ویژه و اداره مستقل بهره‌مند است) و این اساس ما از مصر جز آن قسمت که به آبادی‌های

کهن (باستانی) از میان‌رفته مربوط می‌نود، چیزی نیاورده‌ایم. در این فرهنگ، هر جا به نام

شهر یا شهر کوچک و حتی به آبادی برخورد کردیم که به موقعیت شهری کهن ارتباط داشت،

نام قدیم آن را یافتیم و به دنبال آن خلاصه‌ای تاریخی آوردیم.

برای این امر، به نویسندگان بزرگ و بهترین نقشه‌های قدیم و جدید رجوع کرده و

برای ثبت هر چه دقیق‌تر آن به مقابله آنها با معلوماتی که در دسترس اینجانب بود، پرداختیم.

این فرهنگ چیزی جز نتایج به‌دست‌آمده از فعالیتی طولانی به‌دست‌رسی به معلوماتی

ضعیف نبوده و نمی‌تواند باشد. این کار مستلزم صبر و استقامتی بسیار از جانب من بود و با

تأکید می‌گویم که این کار نقص بسیار داشته و دارد. امیدوارم که شخص شایسته‌ای به اتمام

این فعالیت اقدام کند (هرچند کوچک)؛ زیرا فعالیتی است که در نوع خود یگانه است.

آنچه ما را بر آن داشت که بر حروف عثمانی برای نگاشتن اعتماد (تکیه) کنیم، بیان

کلمات عثمانی یا عربی به حروف لاتین بود، آن‌هم به صحیح‌ترین صورت ممکن که پیدا

کردن آنها را در فرهنگ‌ها آسان کند. برای نمونه مثالی می‌آوریم: کلمه بنار، بُنار، بیناز، بوناز

بیان می‌شود و کلمه کوشک که: کوشیک، کوشیک، غوشیک و کوشیک بیان می‌شود. پس کسانی که به دنبال این نام‌ها و صدها نام دیگر (که ضمن چارچوبی مشکل قرار دارد) می‌باشند، در تخمین هر یک از این الفاظ پنج یا شش گانه که ما در این کتاب برگزیده‌ایم، مجبور به تعدیل آنها می‌شوند و بدین ترتیب از مشکل آنها کاسته می‌شود. همان‌طور که جلوتر بیان شد، کلمات را به حروف عثمانی آورده و به دنبال آن، لفظ پراستعمال لاتین آنها را آورده‌ایم.

هجای (آوانگاری) عثمانی همان هجای موردا اعتماد و رسمی نزد باب‌عالی است، اما ما در برگرداندن مدخل‌ها، (عنوان‌های) دیگر برای یک موضوع حرص ورزیده‌ایم؛ هرچند که این امر موجودیت بسیاری از صورت‌ها را دربردارد.

در پایان لازم است گفته شود که برای سهولت کار کسانی که زبان ترکی نمی‌دانند، اما به جست‌وجو در این فرهنگ مشتاقند، ما تا نام کنونی یک شهر قدیمی و محل قرار گرفتن آن را بدانند، در پایان کتاب یک فهرست الفبایی از نام همه شهرهای قدیمی همراه با نامگذاری جدید آنها به زبان لاتینی و همراه با نام تاریخی آنها در این معجم را آورده‌ایم.